

بنویسید که فاساد الامامی  
 سوسی و غیره را که  
 در روزنامه پشلی و در کبری  
 در کتب و کتب الامامی  
 در کتب و کتب الامامی

خی روزنامه پشلی و در کبری  
 دانله ناروه  
 سلاک ۵۰  
 شترالکب ۷۷  
 قیمت یک نسخه ده شاهمی  
 قیمت اطلاعات هریدی در دو تان

روزنامه سبسی اربی اخباری سر مقالی ترجمه و کتبی بفارسی و نویسه که یک بوهران

در کتب و کتب الامامی  
 در کتب و کتب الامامی  
 در کتب و کتب الامامی

ای جماعت اگر ادای ملت بی  
 صاحب و وار در سر ای مظلومین پنجه  
 سیکاران !! ایا میدانید ملت کدستان  
 چه قدر کدکوب اجانب واقع شده  
 مورد تعرضات غیر قابل تحمیل ملل  
 کسیده است ؟ چانه البته آنانی  
 که ندانستند باید بدانند که ملت کرد را  
 نه مال مانده ، نه نفوس ، نه عزت و نه  
 ناموس ، ملت آشوری که او فی  
 تراز او میانشند عرض حشمت کرد را  
 نابود ساختند ایرانیان که برادران دینی  
 هستند پیوسته به پنجه تها و در اسما  
 عرق و نسل آنان کوشیده تیشه بر تیشه  
 شان میزند و در انجام فرصت اند که  
 بالمره ایشانرا استیصال نمایند . ای  
 مظلومی وی بی صاحبی ؟ کس ندید

با وضاع دلخراش و محنت افزای ناظر  
 محنتی نماید ، حکومت رور در موقع  
 اشغال کردستان با وجود تناقضی  
 دیدید چه ملاطفات و مهربانیا مبدول  
 کردند . بودران دینی را هم ببیند که از  
 فجاج اعمال دریغ نمی نمایند . بنوامیر  
 کردان و عفت دختران تعرضات کرده  
 و دارند بکنند . اعمال سوءشان نسبت به  
 از حد خارج و زبان از بیانشان عاجز  
 ای کراک بجز از اتفاق و اتحاد  
 چاره به خلاصی ملت خود  
 پنجه و شمشان نمی یابیم  
 و بجز از گرفت دست بودری هم  
 دیگر چاره بحال بچاره کی کراک  
 نیست ، دست بکائی و وفاق صدان فایه  
 بیکدیگر داده با تمام موجودات از تعرضات  
 دیگران خود را محافظه نمایم طریقی خلاصی  
 همین است لا غیر

من بکنم گریه و زندگانی خودم و برای تا همین  
 آسایش این ملت خود فدا کرده و مسلمانی نظر  
 با شما هستیم این اقلک اعمال ما با شما شقاوت  
 معرفی کرده و ما این نام که دار میبند  
 و من فاجاق و اشتیاقیتم مدافعه از حقوق  
 ضمایم این ایات ظالم و زورنگ گمخال  
 مملکت کردستان را زور بد و حتی بعرض  
 گردان تعرض میکنند و در از الله تمام  
 ششونانسان ما شدند هر کسی که با شورش  
 و علاقه ضد و نحیست خود را است  
 با صیت خرم مردانه دست افتاد بر بد آمد  
 و بخلاصی ملت خود از بحال همین این اقلک خلاصی  
 نماید

بیل خازنان کون نفوذ ایشان را در مملکت خود مان  
سد نایتم هر کس در بی خط شرف نوم خود نباشد  
در قیامت مؤلفند و مشول اولاد و اطفال خود خواهد  
ای الای ماله حاضر مرک هتیم و سیدانیم همه کس شریک  
فوت را حشیده و در بنابه بزکان و بیغیران کسان  
نازده و بیحفا باهم نخواهد ماند باید سعادت آیدب  
را تحصیل کنیم با غیرت و عصبانیت بتمام خط نامور  
خود برانیم مال و جان را در این راه فدا کنیم که در  
دینا و آخرت رو سفید و نام نیکمان تا ابد خواهد ماند  
(سمتو)

روز ۸، شهر صیام عده در و خزار نفری عجمان  
در تحت ریاست خالوقربان سالار ظفر از  
میانداب بسا و جلاخ و عده ششصد نفری در  
تحت ریاست کلنل نصرالله خان از صابین قلعه  
بیوکان هجوم آور شده عده قشون ظفر نمون ماله  
در تحت ریاست سید طه افندی در حوالی  
سقر بود از حقیقت وقعه مطلع شده بسرا دشمن  
تجاا عودت بنیاید روز ۹، رمضان اردوی  
دشمن در سا و جلاخ محاصره صبح علی الظلمه شروع  
بجنگ گردید در مدت چهار ساعت زد و خورد  
قوه دشمن تماماً محو ریشار در و خالوقربان و ارکان  
مرب شزاره روح الله میرزا موقوف جنگ با خنجرهای  
شجاعان ارکان نجاک میافتد سطوت السلطنه  
اسیر دو عراده توپ و هفت صتره یوزغ  
آرد و مال گردیده دشمن رو به میانداب  
تعقب شکسته مجبور از رود جبار گذرند  
و غنائم بچید و حساب است عده که از  
اردوی فاتح ما در مقابل عده کلنل بوی در  
هان روز مشغول زد و خورد میشوند

کلنل شب عبید با چند نفر سوار فرار متبانی  
 فره او تمام محو تعرضات قشون مکرر بیه و یک عزانه  
 توپ و یک متر الیوز اعتمام شده در عدت  
 در روز اردوی و سخن در هر دو نقطه  
 نابود کردید نه تلفات ماهفت نفر شید  
 و سیزده مجروح

با با تمامی صفوت  
 نسیب خود بجاهد و عزیمت کردان  
 غیور و جسور خور را تقدیر و مظفیت  
 ایشانرا تیر یک میماییم شجاعت و  
 رآله ایشان در این مرتبه اظهار و آن  
 شرف بمانی رآله آن شیران احراز کرده  
 بسی شایسته است که بقلم زرین در  
 صحایف تاریخ ایشان و شرف کربستان  
 ثبت کرده در از منته مدوده کردان بدان  
 افتخار نماید خداوند توفیق عنایت فرموده

میر حسین و اصحت و سلامت بخشیده  
 شهنشایرا مطهر لطف و معاطعت خود کند  
 باید اولاد و اطفال این شهیدان بدانند  
 که تمامی کردان مدیون حسن عدل پدران  
 ایشان بود و از همه نوع معاونت و ملاحظت  
 با ایشان تصور نمایند و خود را در نشان  
 و موقوفه نصب سازند که اگر تا حال تنرا پدران  
 صاحبی از ایشان کردند از روز به بعد  
 تمام مت لرو بر می نگرداری صاحبی  
 ایشان حاضرند

چهرت  
 مدیر مصول محمد تر جانی  
 مطبعه غربت  
 محمد جمال الدین

